

تا به حال کمتر اتفاق افتاده که در یک فیلم حادثه‌ای آن هم با حضور هریسون فورد... یک کاراکتر مونت نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

□ در این فیلم چه نقشی دارید؟

■ یک نقش عجیب و تماشایی. در یک هواپیماری تعدادی آدم مهم به گروگان گرفته می‌شوند. من یکی از آنها هستم.

برخی بازیگران زن شکوه می‌کنند که نقش‌ها محدود و کلیشه‌ای است و تازگی ندارد.

من اینطور فکر نمی‌کنم. برای مثال فیلمهای خودم را نام می‌برم. از سال ۱۹۸۲ که در مقابل رابین ویلیامز نقش قوی و مصمم را بازی کردم تا به امروز سعی کرده‌ام در نقش‌های متفاوتی بازی کنم. مسئله مهم این است که بازیگر همیشه باید در جستجو باشد.

□ چند بازیگر دیگر را می‌توانیم

مثال بز نیم که موفق بوده‌اند؟

■ نمی‌دانم. معمولاً فیلمنامه‌ها همه وقتی خواننده می‌شوند چیزهای خوبی هستند. بعضی از بازیگران از اینکه نقش‌های تازه را تجربه کنند می‌ترسند. اما باید نقش‌های متفاوت را مورد تجربه و ارزیابی قرار داد.

□ درصد و یک سگ خالدار همبازی حیوانات شده‌اید.

خودتان در خانه حیوانات خانگی را نگهداری می‌کنند؟

■ من سه سگ و دو گربه، شش ماهی، یک اسب و یک الاغ دارم. اما با همه آنها مهربان هستم و بلایی را که در فیلم باید بر سر سگها درآورم، سر آنها در نمی‌آورم.

□ آیا هرگز پالتوی خز به تن کرده‌اید؟

■ خیر، دوست ندارم. آنها به تن من سنگینی می‌کنند.

مگر یک بازیگر باید روی پرده واقعیت‌های زندگی خودش را به تصویر بکشد.

برای من نقشی جذاب است که از من دور باشد. وجود حیوانات در زندگی آدم‌ها نقش مهمی دارند. آدم‌ها می‌توانند نکته‌های زیادی را از آنها بیاموزند. آنها به آدم مهربانی و عشق را یاد می‌دهند. من از طرفداران پر و پا قرص حیوانات هستم.

□ هیچوقت مثل کر و لادویل به دنبال هیجان و سر و صدا بوده‌اید؟

■ صلح و آرامش تنها چیزهایی هستند که من همیشه به دنبالشان بوده‌ام.

بالاخره کار خودت را کردی

گفتگو با رولاند امریچ کارگردان روز استقلال

مایکل وارن

رولاند امریچ فیلمسازی آلمانی تبار است. او که سال ۱۹۵۵ در اشتوتگارت به دنیا آمده، از دانشکده فیلم و تلویزیون مونیخ فارغ‌التحصیل شد. امریچ بجز کارگردانی فیلمنامه فیلم‌هایش را نیز می‌نویسد. تخصص او در کارگردانی فیلمهای علمی-تخیلی است. از اولین تجربه فیلمسازی در سال ۱۹۸۵ تا به امروزه شخصیت‌های مرکزی فیلمهای او دانشمندان و موجودات فضایی هستند. اولین فیلم او اصل گشتی نوح نام دارد که یک تجربه دانشجویی است و در صنعت سینمای آلمان لقب گرانترین فیلم دانشجویی را بخود اختصاص داد. این فیلم در جشنواره فیلم برلین به عنوان فیلم افتتاحیه جشنواره به نمایش درآمد.

موفقیت این فیلم در آلمان و کشورهای دیگر امکان فعالیت‌های وسیعتر امریچ را فراهم آورد. از آن پس او فیلمهایی کارگردانی کرد که سرشار از جلوه‌های ویژه بوده است. امریچ سال ۱۹۹۱ به آمریکا سفر کرد تا در تولید محصولی مشترک بین آمریکا و آلمان همکاری کند. سال ۹۲ وی پس از کارگردانی چهار فیلم (در آلمان) اولین فیلم آمریکایی خود سرباز جهانی را با بازی اژن کلودون دم و رولف لاتگرن ساخت که نام ون دم را در سطحی وسیع مطرح کرد.

فیلم با یک موفقیت نسبی روبرو شد و امریچ توانست در سال ۹۴ کارگردانی استارگیت را به عهده بگیرد. اگر برای سرباز جهانی هزینه‌ای کمتر از ۳۰ میلیون دلار صرف شد، استارگیت با هزینه‌ای پنجاه و پنج میلیونی تهیه شد. کورت راسل و جیمز اسپادر نقش‌های اصلی این فیلم را بازی می‌کردند.

روز استقلال سومین فیلم آمریکایی امریچ است که با هزینه‌ای (بالتر از ۷۱ میلیون) و بدون حضور بازیگران



خواهم شد. به همین خاطر وقتی اولین فیلمم به روی پرده رفت، کسی از قصه و حال و هوای آن متعجب نشد. دوستانم به من گفتند، بالاخره کار خودت را کردی، آن زمان احساس می‌کردم که باید وارد این رشته شوم.

برای رسیدن به موفقیت امروزی زحمت فراوانی کشیدم. آدم به چیزی که حقتش باشد می‌رسد و من وضعیت کنونی را حق خودم می‌دانم. درست است که من یک فیلمساز خارجی هستم، ولی زبان سینما یک زبان بین‌المللی است. وقتی استودیویی حاضر می‌شود کارگردانی یک محصول پرخرج خود را به دست من بسپارد، این نشان می‌دهد که آنها اطمینان لازم را نسبت به نوع کار من کسب کرده‌اند.

با موفقیتی که فیلم روز استقلال کسب کرده، حالا می‌توانم راحتتر فیلم بسازم و دخالت‌های استودیویی در کارهایم کمتر باشد. پروژه گودزیلا به احتمال فراوان کار بعدی من خواهد بود. در این فیلم هم باز با موجودات فضایی سر و کار خواهیم داشت. این بار گودزیلا به مبارزم با موجودات فضایی می‌رود.

سرشناس ساخته شد. منتقدین گفتند جلوه‌های ویژه ستارگان اصلی فیلم بوده‌اند. علیرغم فروش سرسام‌آور فیلم، منتقدین نسبت به آن نظر مثبتی ارائه نکردند. آنها روز استقلال را ملغمه‌ای از فیلم‌هایی چون برخورد نزدیک از نوع سوم، ۷ (مجموعه تلویزیونی) و بازیهای کامپیوتری توصیف کردند.

مطلب زیر دیدگاه‌های رولاند امریچ درباره فیلمسازی و روز استقلال است:

از دوران کودکی به فیلم‌های علمی-تخیلی علاقه داشتم. وقتی فیلمی در این نوع به روی پرده سینما می‌آمد، جزو اولین تماشاگران آن بودم. در مدرسه و محل زندگی قصه این فیلم را به گونه‌ای تعریف می‌کردم که دوستانم می‌گفتند، تو فیلم را از خود آن قشنگ‌تر برای آدم می‌گویی و خوب طبیعی است که وقتی آدم به این نوع فیلم و سینما علاقه داشته باشد، این علاقه در کاری که بعدها ارائه می‌دهد تأثیر می‌گذارد.

با اعتقاد به اینکه باید فیلمساز شوم، به تحصیل در این رشته پرداختم و از روز اول همه می‌دانستند - و می‌گفتند - من سازنده فیلمهای علمی-تخیلی و فضایی